

## مقاله پژوهشی: تجسس از منظر فقه حکومتی با رویکرد امنیتی - نظامی

[20.1001.1.24234621.1400.111.42.14.9](https://doi.org/10.1001.1.24234621.1400.111.42.14.9)

سجاد امیدی<sup>۱</sup>؛ ابوالحسن مجتهد سلیمانی<sup>۲</sup>؛ محمد رسایی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۱۹

تاریخ پذیرش: ۹۹/۴/۱۱

### چکیده

تجسس، یافتن اطلاع از طریق غیرمعمول است که طرف مقابل نمی‌خواهد آشکار گردد. با بررسی منابع فقهی حکومتی شیعه در زمینه تجسس، (آیات، سنت معتبر عملیه معصومین و قواعد فقهی) این منابع به دو دسته تقسیم می‌شوند. دسته اول که مبتنی بر دیدگاه حرمت انسان هستند، بر حرمت و غیرمجاز بودن تجسس از مسلمانان دلالت می‌نمایند و دسته دوم که مبتنی بر قاعده مصلحت، قاعده اضطرار و قاعده حفظ نظام هستند، بر پایه آیات و روایات و سیره عملی معصومین<sup>(ع)</sup> و قواعد فقهی بر جواز و برخی موارد بر لزوم تجسس دلالت می‌نمایند. پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی به دنبال پاسخ به این پرسش اصلی است که با توجه به اهمیت حدود و ثغور تجسس از منظر نظامی - امنیتی، مرزهای مجاز و غیرمجاز تجسس از منظر فقه حکومتی چه بوده و بر این اساس نتیجه گرفته است که با توجه به اینکه تجسس با چهار قصد انجام می‌گردد، نخست: تجسس به علت کنجکاری شخصی، دوم: به غرض پی بردن به عیوب مردم و رسوا نمودن افراد، سوم: به قصد عقلایی به منظور کشف توطئه و خیانت علیه نظام اسلامی و چهارم: شناخت افراد به منظور واگذاری مسئولیت به آنان. تجسس به معنای اول و دوم در کلیه موارد چه زندگی خصوصی و چه شخصیت اداری افراد ممنوع بوده؛ اما به معنای سوم و چهارم، تجسس از مردم عادی و کارکنان نظام اداری و قضایی و نظامی در ضرورت‌ها لازم است. در خصوص دشمنان داخلی و خارجی مسلمان و غیرمسلمان هم در مواردی لازم است.

**کلید واژه‌ها:** تجسس، فقه حکومتی، مصلحت، اضطرار، حفظ نظام، حرمت انسان، نظامی - امنیتی.

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشکده حقوق، دانشگاه خوارزمی، البرز، ایران،

sajadomidi48@gmail.com

۲. استادیار گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق، دانشگاه خوارزمی، البرز، ایران.

۳. استادیار گروه حقوق خصوصی دانشکده شهید مطهری<sup>(ع)</sup>، تهران، ایران.

## مقدمه

یکی از محرّمات مسلم و قطعی در اسلام، تجسس و تفتیش از اسرار، عورات، پنهانی‌ها و به‌طور کلی حریم افراد است. از سویی، دولت‌ها در راستای برقراری نظم عمومی و مقابله با مفسد گوناگون، ناگزیر به ورود به حریم خصوصی در موارد استثنایی هستند (بگدلی و بایوکانی، ۱۳۹۶: ۱۰). کارویژه نهی از سوءظن، حفظ تعادل اجتماعی و تنظیم روابط میان امت اسلامی است، زیرا اگر بنای ارتباطات بشری بر سوءظن و نفی اعتماد عمومی باشد، هیچ شخصی نمی‌تواند با انعطاف و بسط خاطر، نیات و اغراض خود را در ساحت جامعه جامه عمل ببوشاند. بر همین اساس دستور به حسن ظن از احکام شریعت اسلامی است (طالبی طادی، ۱۳۹۶: ۸۰). در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران نیز اصول ۲۲، ۲۳ و ۲۵ قانون اساسی، حریم خصوصی افراد را به صورت غیرمستقیم مورد حمایت قرار داده و محرمانگی افراد جز در موارد استثنایی و قانونی غیرقابل تعرض اعلام شده است (فتحی و شاهرادی، ۱۳۹۶: ۲۳۱)؛ بنابراین هم در اسناد بالادستی، همچون بند ۶ فرمان هشت‌ماده‌ای امام راحل<sup>(ره)</sup>، در فقه اسلامی، هم در حقوق موضوعه جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه اصل ۲۵ قانون اساسی و هم در اسناد حقوقی بین‌المللی به‌ویژه ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ملل متحد و همچنین تفسیر عمومی شماره ۱۶ کمیته حقوق بشر ملل متحد، اصل بر عدم تجسس و حفظ حریم خصوصی است که از زمره حقوق مدنی و سیاسی شهروندان تلقی می‌شود (معاونت حقوقی، ۱۳۹۰: ۳۷). با وجود پرداختن به اصل عدم تجسس و حفظ حریم خصوصی در منابع قانونی، اما در منابع فقهی وضعیت مطلوبی به چشم نمی‌خورد، به نحوی که در فقه امامیه پیرامون ضوابط و حیطة حرمت تجسس و جواز آن و ادله آن‌ها بحث کافی صورت نپذیرفته و می‌طلبد برای دستگاه‌های اطلاعاتی، ضوابط و حیطة حرمت تجسس و موارد و مصادیق جواز آن منضبط گردد؛ چراکه انضباط این مسئله و بی‌اطلاعی نسبت به آن‌ها، پیامدها، آثار و آفات شرعی بسیاری دارد. علاوه بر این ضرورت تعیین محدوده مجاز تجسس برای نوع مکلفین نیز امری ضروری است (صالحی، صالحی و نیکخواه، ۱۳۹۷: ۷۷).

ضرورت و اهمیت تحقیق حاضر به این صورت است که حفظ و صیانت از کیان اسلامی و استقلال کشور از مهم‌ترین اموری است که بر تمام مسلمین و به‌خصوص حاکم اسلامی واجب و لازم است و این مهم جز از طریق داشتن اطلاع از طرح و نقشه‌ها و زیر نظر گرفتن تحرکات و وضعیت دشمنان داخلی و خارجی امکان‌پذیر نخواهد بود. در حال حاضر که انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان پرچم‌دار حفظ حقوق انسان‌ها و آزادی مستضعفان جهان، سخت مورد غضب و کینه آنان قرار گرفته؛ از این جهت کشف و خنثی‌سازی این‌گونه توطئه‌ها که با سرمایه‌گذاری و هدایت دشمنان خارجی و با کمک مزدوران و ایادی داخلی آنان انجام می‌گیرد، وجود نیروهای ویژه تجسس و کسب خبر را ضروری می‌نماید.

در این پژوهش به دنبال اثبات چند فرضیه هستیم. اول اینکه با توجه به آیات و روایات و استدلالات فقها، شیعه از منظر فقه حکومتی، مرزهای مجاز و غیرمجاز تجسس بر مبنای سه قاعده فقهی اضطرار، مصلحت و حفظ نظام ترسیم می‌شود. دوم اینکه مرزهای مجاز تجسس با توجه به آیات و روایات برای اموری از جمله اطلاع و پیش‌گیری از اقدامات و غافل‌گیری دشمن از منظر قرآن می‌باشد. سوم اینکه مرزهای غیرمجاز تجسس نیز عموماً در مسائل شخصی و فردی و منع تجسس برای پی بردن به بدی‌ها و زشتی‌های مردم است.

## پیشینه‌شناسی تحقیق، صبغه راهبردی، جنبه نوآوری و مبانی نظری تحقیق

### پیشینه‌شناسی

بررسی پژوهش‌های انجام‌شده دلالت بر این امر دارد که تاکنون تحقیق مستقلی تحت عنوان «تجسس از منظر فقه حکومتی با رویکرد امنیتی - نظامی» صورت نپذیرفته است. با این حال، چندین تحقیق وجود دارند که به برخی از جنبه‌ها و مؤلفه‌های تحقیق حاضر اشاره داشته‌اند که عبارت‌اند از:

۱. نویسندگان مقاله «تجسس از دیدگاه فقه امامیه» با بررسی دلایل عقلی و نقلی مختلف ناظر بر تجسس، به این نتیجه دست پیدا کرده‌اند که تجسس در امور شخصی، در اصل ممنوع بوده، درحالی‌که تجسس در امور اجتماعی برای بازرسی و نظارت، در برخی

شرایط، جایز و در برخی شرایط واجب می‌باشد. با این حال، به نظر می‌رسد که در برخی یافته‌های تحقیق، تحقیق حاضر با تحقیق فوق اختلافاتی داشته باشد، از جمله در زمینه تجسس در مورد مؤمنان و همچنین در مورد حدود و ثغور تجسس در فقه حکومتی اسلامی (قربانی و پورشعباغلی، ۱۳۹۷: ۵۲).

۲- نویسندگان مقاله «بررسی فقهی تجسس با تأکید بر فرمان هشت‌ماده‌ای امام خمینی (ره)» با توجه به فرمان هشت‌ماده‌ای امام خمینی (ره) به این نتیجه دست یافته‌اند که اگرچه اصل بر ممنوعیت تجسس بوده، با این حال در ارتباط با حفظ نظام، استثناء بر این اصل پذیرفته شده است. با این حال، به نظر می‌رسد که به‌رغم این اصل کلی، نویسندگان مقاله نتوانسته‌اند به ارتباط‌دهی دقیق میان تجسس در فقه و فرمان هشت‌ماده‌ای امام خمینی (ره) پرداخته و عموماً با آوردن متن فرمان، موارد منعکس در تحقیقات قبلی را منعکس نموده‌اند. از سوی دیگر، این تحقیق دایره مجاز بودن تجسس را تنها در مورد حفظ نظام می‌داند، اما تحقیق حاضر، علاوه بر این اصل، اصول دیگری مانند مصلحت را که دایره وسیع‌تری را شامل می‌شود؛ مورد نظر قرار داده است (تلخایی و حیدری، ۱۳۸۹: ۱۰).

۳. نویسندگان مقاله «از شناسایی منع تجسس به مثابه قاعده‌ای فقهی تا انعکاس آثار آن در نظام دادرسی کیفری ایران» به بررسی فقهی - حقوقی قاعده منع تجسس در فقه و قوانین پرداخته‌اند. با این حال، آنچه که تحقیق مزبور مورد نظر قرار داده است، تجسس در امور شخصی نه در امور اجتماعی که مورد توجه مقاله حاضر است. از سوی دیگر، این مقاله، موضع خود را به‌روشنی در ارتباط با منع تجسس در امور شخصی از لحاظ فقهی مشخص نکرده است و تنها انعکاس‌دهنده دیدگاه‌های فقها است (کوشکی و موسوی آزاده، ۱۳۹۷: ۱۸۰).

### صبغه راهبردی

از ابتدای پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و با توجه به شرایط پیش روی کشور و نظام اسلامی در مواجهه با انواع تهدیدات اعم از نظامی، شبه‌نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حقوقی و حتی بهداشتی و سلامت، بسیاری از دستاوردهای نظام از طرق مختلف از جمله تجسس در چهارچوب موازین فقهی و قانونی به عمل آمده است. این

مسئله به‌ویژه آن‌چنان مهم و راهبردی برای نظام اسلامی بوده است که در بند هفتم فرمان هشت‌ماده‌ای امام خمینی<sup>(ره)</sup> و فرمان ستاد پیگیری تخلفات قضایی و اداری به آن توجه شده است. امام علی<sup>(ع)</sup> و سایر معصومین<sup>(ع)</sup> نیز به طرق مختلف به تعیین حدود و ثغور تجسس از منظر فقهی پرداخته‌اند، از جمله در نامه ۱۱ نهج‌البلاغه.

از سوی دیگر، اگرچه منع تجسس در امور شخصی و جواز و حتی لزوم تجسس در امور اجتماعی تحت شرایط خاص قانونی و فقهی مورد پذیرش قرار گرفته است، اما با توجه به عدم تصویب قانون واحد در ارتباط با حدود و ثغور تجسس در نظام اسلامی در رکن قانون‌گذار (مجلس شورای اسلامی - شورای نگهبان)، همیشه این بحث به‌ویژه از منظر امنیتی - نظامی در تشخیص موارد مجاز و غیرمجاز تجسس از منظر فقه حکومتی وجود داشته است و همین امر موجب شده است که به‌رغم تقریرات مختلف در باب تجسس، همواره این مسئله به‌عنوان یک امر راهبردی برای نظام اسلامی تلقی شود.

### جنبه ابتکار و نوآوری

اگرچه همان‌گونه که در بخش پیشینه‌شناسی تحقیق حاضر آورده شد، تاکنون تحقیقات مختلفی در ارتباط با تجسس هم از منظر فقهی و هم از منظر حقوقی ایران و حتی سایر مذاهب اسلامی صورت گرفته است، اما به نظر می‌رسد که تحقیق حاضر از جنبه‌های مختلف، دارای نوآوری و ابتکار است و آن اینکه اول اینکه، اگرچه قاعده حفظ نظام نیز آورده شده است، اما مبنای اصلی تجسس در فقه حکومتی در تحقیق حاضر سه مبنای مهم فقهی یعنی حرمت انسان، قاعده مصلحت و قاعده اضطرار گذاشته است. این در حالی است که عمده تحقیقات گذشته، تنها با توجه به قاعده حفظ نظام، به بررسی حدود و ثغور تجسس و منع آن پرداخته‌اند؛ بنابراین اولین نوآوری تحقیق حاضر در سطح مبانی آن نمود پیدا نماید. دومین نوآوری تحقیق حاضر آن است که دید خود را تنها متوجه فقه حکومتی نموده است و بر همین اساس فقه شخصی را در تحلیل خود کنار گذاشته است. این مسئله نیز با توجه به راهبردی بودن تجسس و منع آن برای نظام اسلامی قابل توجیه است.

## مبانی نظری تحقیق

### مفهوم تجسس

عالمان فن سیاست‌گذاری قانونی، به دلیل گسترده بودن، سیال بودن و نسبی بودن مفهوم و ماهیت تجسس، تعریف واحدی از مفهوم تجسس ارائه نداده‌اند. این ابهام‌ناهنها مربوط به تجسس بلکه واژه‌های مرتبط با آن، یعنی حق حریم خصوصی است که حقوق‌دانان نتوانسته‌اند به تعریف واحدی از آن‌ها دست یابند. به دیگر معنا، تعریفی که با پذیرش عمومی مواجهه باشد؛ وجود ندارد (پورعبدالله و جلیل‌زاده، ۱۳۹۳: ۹). در فقدان تعریف قانونی یا حقوقی واحد از تجسس بایستی به معانی عرفی و لغوی و حتی اخلاقی تجسس نظر انداخت. در لغت و عرف به معنای جست‌وجو کردن، دنبال چیزی گشتن، خبر جستن، در جست‌وجوی امری یا چیزی بودن تفسیر شده است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۴: ۵۶۴۱). در اصطلاح علم اخلاق نیز، تجسس عبارت است از: «تجاوز به حریم خصوصی افراد از طریق جست‌وجو و تفحص در عیوب آن‌ها و کاوش در اسرار پوشیده‌ای که مردم علاقه دارند پنهان بماند و آشکار شدنش برای آن‌ها شرم و خجالت به دنبال می‌آورد» (دعموش عاملی، ج ۱، ۱۳۸۲: ۱۱). به علاوه، برخی معانی تجسس از جمله به معنای کشف خبرهای مردم در خفا و پنهان و همچنین تجسس به معنای جست‌وجوی امری همراه با استراق سمع و بصر اکیداً مورد نهی شارع مقدس قرار گرفته است (زیدان، ۱۳۷۸: ۸۶). کما اینکه پیامبر (ص) در این ارتباط می‌فرماید: «... لاتجسسوا و لاتحسسوا...» ... در جست‌وجوی اخبار مردم نباشید و جاسوسی نکنید» (مسلم بن حجاج، ۱۴۱۹ ه.ق: ج ۲۵۶۳). نظیر آن در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه امیر مؤمنان (ع) به مالک اشتر وجود دارد: «وَلَيْكُنْ أَبْعَدَ رَعِيَّتِكَ مَنْكَ وَأَشْنَأَهُمْ عِنْدَكَ، أَطْلُبُهُمْ لِمَعَائِبِ النَّاسِ. فَإِنَّ فِي النَّاسِ عَيْبًا؛ الْوَالِي أَحَقُّ مِنْ سِتْرَهَا؛ فَلَا تَكْشِفَنَّ عَمَّا غَابَ عِنْدَكَ مِنْهَا؛ فَإِنَّمَا عَلَيْكَ تَطْهِيرُ مَا ظَهَرَ لَكَ وَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَى مَا غَابَ عِنْدَكَ؛ فَاسْتِرِ الْعَوْرَةَ مَا اسْتَطَعْتَ يَسْتِرِ اللَّهُ مَنْكَ مَا تَحِبُّ سِتْرَهُ مِنْ رَعِيَّتِكَ ... وَ تَغَابَ عَنِ كُلِّ مَا لَا يَضِحُ لَكَ وَلَا تَعْجَلَنَّ إِلَى تَصْدِيقِ سَاحِ فَاِنَّ السَّاعِيَ غَاشٌّ وَإِنْ تَشَبَّهَ بِالنَّاصِحِينَ» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳: ۵۶۸). همچنین خواه در قوانین عام و خواه در قوانین خاص، بر منع تجسس تأکید شده است و حتی برای آن در برخی قوانین ضمانت اجراء تعیین شده است، از جمله در قسمت پایانی ماده ۷۸ قانون

تجارت الکترونیکی، مسئولیت مدنی تجسس کننده در داده‌های خصوصی افراد مورد تأکید قرار گرفته است؛ بنابراین به‌رغم اینکه تعریف واحدی از تجسس در قوانین ارائه نشده است، اما مصادیق تجسس در قوانین فراوان هستند که از جمله آن می‌توان به مداخله دیگران در زندگی خصوصی، زندگی خانوادگی و منزل آنان، مداخله دیگران در تمامیت جسمانی یا روانی یا رد آزادی معنوی و فکری آنان، حملات و تعرضات به آبرو، شهرت و حیثیت آنان، ساختن سیمایی دروغین و غیرواقعی از آنان، افشای وقایع نامربوط و آزاردهنده درباره زندگی خصوصی آنان، استفاده از نام، هویت یا شمایل آنان، تعقیب و به ستوه آوردن، دست‌اندازی در مکاتبات، مراسلات و مخابرات، سوءاستفاده از ارتباطات خصوصی، افشای اطلاعاتی که بر اساس اعتماد حرفه‌ای به فردی داده شده است، اشاره کرد (حسینی آزاد، ۱۳۹۰: ۴).

در فقه و فلسفه حقوق نیز در ارتباط با معنای تجسس، نظریه‌پردازی شده است. البته تجسس در لسان فقها برای خود تعریف خاصی را نداشته و عدم تعریف ممکن است به خاطر بداهت آن باشد، البته در این زمینه نظریاتی ارائه داده شده است. برای نمونه علامه طباطبایی تجسس را به معنی پیگیری و تفحص از امور مردم می‌داند و آن اموری که مردم عنایت دارند پنهان بماند و تو آن‌ها را پیگیری کنی تا خبردار شوی و تجسس هم همین معنا را دارد، با این تفاوت که تجسس در شر استعمال شده و تجسس در خیر به کار می‌رود (تفسیر المیزان، ج ۱۸: ۴۸۴). از نظر شهید ثانی نیز «معنی تجسس آن است که بندگان خدا را زیر پرده ستاریت پروردگار رها نکنی و پرده از روی کار آنان برداری و آنچه را که خداوند پوشیده داشته است، آشکار کنی که این کار وسیله کسب اطلاع از امور مخفی آن‌ها و پرده برداشتن از روی اسرارشان می‌شود و در نتیجه آنچه بر تو پوشیده بود، آشکار می‌گردد که اگر مخفی بود دل و دینت سالم‌تر می‌ماند» (شهید ثانی، ۱۳۸۰: ۹).

#### قواعد فقهی حکومتی ناظر بر مرزبندی تجسس

به‌طور کلی، چهار قاعده فقهی حکومتی را می‌توان ناظر بر مرزبندی تجسس دانست که عبارت‌اند از: قاعده حرمت انسان، مصلحت، قاعده اضطرار و قاعده حفظ نظام. در هر یک

از این چهار قاعده که به‌عنوان مبنای اصلی تحقیق مدنظر قرار می‌گیرند، حدود و ثغور تجسس مورد بررسی قرار می‌گیرد. بدیهی است که این مبنا می‌تواند در بخش‌های بعدی برای تحلیل حدود و ثغور تجسس از منظر روایات و استدلالات فقهی مورد توجه قرار بگیرد.

### مبنای فقهی غیرمجاز بودن تجسس

بررسی حوزه ممنوعیت آیات و روایات و استدلال به آن‌ها به این نکته اساسی ما را رهنمون می‌سازد که مبنای اصلی فقهی غیرمجاز بودن تجسس، حرمت انسان است.

### حرمت انسان

مکتب حیات‌بخش اسلام، افراد جامعه اسلامی را دارای حرمت، عزت و کرامت می‌داند و به هیچ انسانی اجازه تعرض به حرمت انسان دیگری را نداده است. متون آیات و روایات متعدد در این زمینه این نظر را تقویت نموده تا اینکه یک مبنایی در رفتار و روابط بین انسان‌ها به وجود آورد که بر پایه آن احترام به شخصیت دیگران و عدم تجاوز به حریم شخصی آنان شکل گیرد، به طوری که هیچ‌کس حق تعرض و تجسس در مورد دیگری را ندارد. مقام معظم رهبری<sup>(مدظله‌العالی)</sup> نیز در استفتایی بیان نموده‌اند: «مبادرت به امر بررسی و تحقیق قانونی نسبت به کار اداری کارمندان و غیر آنان توسط مأموران رسمی تفحص و تحقیق در چهارچوب ضوابط و مقررات قانونی اشکال ندارد ولی تجسس در کار دیگران یا تحقیق در اعمال و رفتار کارمندان برای کشف اسرار در خارج از حدود و ضوابط قانونی برای آن مأموران هم جایز نیست». به نظر می‌رسد که مبنای روایی این فرمایش مقام عظمای ولایت، روایاتی باشند که نقض حریم خصوصی را نهی کرده، چراکه موجب ایدای مؤمن می‌گردد: «من اعان علی مؤمن بشر کلمه بشر کلمه جاء یوم القیامه و بین عینیه مکتوب آیس من رحمه الله؛ هر کس علیه مؤمنی کاری انجام دهد که بر او ضرر وارد شود ولو با گفتن کلمه‌ای، روز قیامت در حالی محشور می‌شود که در پیشانی‌اش نوشته م‌ایوس از رحمت خداوند» (صدوق، ۱۴۰۶، ج ۴، ۹۴) یا در حدیث دیگر از پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> می‌فرمایند:



«... یا اباذر المجالس بالامانه و افشائک و سرّ اخیک خیانه فاجتنب ذالک» (حرعاملی، ۱۳۷۲، ج ۱۲: ۳۰۷).

### مبنای فقهی مجاز بودن تجسس از منظر فقه حکومتی قاعده مصلحت

در ارتباط با مصلحت بایستی به‌طور کلی قائل به دو نوع مصلحت فردی و جمعی بود و منظور از مصلحت در قاعده مصلحت، مصلحت جمعی است نه فردی. با این حال، اول اینکه مصالح و مفاسدی که روح احکام شریعت بر پایه آنها قرار گرفته است، همه در یک سطح و درجه نمی‌باشند و برخورد مصالح اجتماعی با مصالح فردی، مشمول باب تزاحم و تقدم اهم بر مهم می‌باشد که قاعده‌ای عقلانی است که در همه جا تبعیت از اهم لازم است و همه انسان‌های عاقل آن را درک می‌کنند و به آن ملتزم می‌شوند و بنابراین در لزوم یا عدم لزوم تجسس با توجه به قاعده مصلحت بایستی این اهم و مهم بودن مصلحت جمعی و فردی مورد توجه قرار بگیرد (جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۲۴۵). دوم اینکه نوعی تقسیم‌بندی از تجسس بر پایه مصلحت بوده است که بر این مبنا، تجسس به صرف آگاهی از احوال اشخاص و بدون انگیزه عقلانی صورت می‌گیرد، با نیتی فاسد چون هتک، پراکندن فحشاء و آزردن مؤمنان انجام می‌گیرد و ... تقسیم می‌شود و بنابراین این تقسیم‌بندی، نشان‌دهنده اهمیت قاعده مصلحت در تقسیم‌بندی‌های تجسس می‌باشد (خرازی، ۱۳۸۰: ۲۵). معنای اصطلاحی مصلحت عبارت است از منفعتی که شارع حکیم برای بندگان خواسته است. این منافع مشتمل بر حفظ دین، جان، عقل، نسل، مال می‌باشد (علی حسینی و کشاورز، ۱۳۹۵: ۸). مصالح از نظر حقوق اسلام به چهار دسته تقسیم می‌شوند: ۱- مصالح ضروری، مصالحی است که مقصود اصلی شریعت، حفظ آنها است که عبارت‌اند از: حفظ دین، نفس، نسل، عقل و مال انسان‌ها. ۲- مصالح حقیقی: آن در جایی است که یک کار به‌طور حقیقی جلب منفعت یا دفع ضرری نماید و تشریح حکم طبق آنها به مصلحت و نفع شخص یا جامعه باشد؛ ۳- مصالح شخصی که مربوط به مصالح فرد یا گروه خاصی است؛ ۴- مصالح تحسینی که نوعی از مصالح هستند که رعایت آنها، بهبود و بهتر شدن زندگی را در پی دارد ولی عدم رعایت آنها موجب سختی و دشواری در زندگی انسان نمی‌شود (نظرزاده،

۱۳۹۲: ۶۲-۶۱). از این بین، مصالح ضروری است که در قاعده مصلحت مورد نظر می‌باشد و البته تجسس نیز در زمینه مصالح ضروری قابل اعمال می‌باشد. قاعده مصلحت ایجاب می‌نماید که به منظور حفظ نظم اجتماعی با هر آنچه که موجب ایجاد اخلال در نظم اجتماعی می‌گردد؛ مبارزه شود (احسان‌پور و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۴۶-۱۴۵) و بنابراین در این مسیر اگر به منظور حفاظت از امنیت کشور، تجسس لازم آید، طبق قاعده مصلحت توجیه‌پذیر خواهد بود.

### قاعده الضرورات تبيح المحذورات (قاعده اضطرار)

اضطرار یکی از عناوین ثانویه است که با وجود آن، حرمت فعل حرام، مرتفع و مجازات آن منتفی می‌گردد و در واقع، انجام آن فعل حرام، مباح و حلال می‌شود. اضطرار به این دلیل در مورد تجسس مورد پذیرش قرار گرفته است که تجسس توسط حکومت اسلامی همواره بایستی به عنوان استثناء مورد پذیرش قرار بگیرد و بنابراین تجسس تنها در مواردی توسط حکومت اسلامی بایستی مورد استناد قرار بگیرد که به منظور جلب مصالح و دفع مفساد و مضار مادی و معنوی ضروری صورت گرفته باشد و از این منظر قاعده اضطرار می‌تواند به علت محدود و مضیق بودن، به عنوان یک استثناء پذیرفته شود؛ به عبارت دیگر، اضطرار عبارت است از واقع شدن شخص تحت شرایط و موقعیت تهدیدآمیز درونی و طبیعی که خروج از آن شرایط و موقعیت، مقتضی ارتکاب فعل حرامی می‌باشد (نوجوان، ۱۳۸۹: ۶۱). دامنه اضطرار در فقه گسترده است و این قاعده از طهارت تا دیات کاربرد دارد؛ بنابراین باید تعریف و تشریح ماهیت اضطرار فراگیر باشد. ولی فقها، اضطرار را در همه موارد تشریح نکرده‌اند و عمده بحث در کتاب اطعمه و اشربه آمده است (عبداللهی علی بیک، ۱۳۸۲: ۸۵). قاعده اضطرار با منع تجسس ارتباط مستقیم دارد، چه آنکه در دیدگاه اسلامی، وجوب و تحریم فقهی در جهت فلسفه هدایت تشریح الهی، جلب مصالح و دفع مفساد و مضار مادی و معنوی از انسان را دنبال می‌کند که برای بسیاری از آن‌ها مجازات دنیوی اعم از قصاص تا تعزیر مقرر شده است (جعفری و عباسی مقرب، ۱۳۹۵: ۴۹). این موضوع از روی آیات قرآنی نیز قابل برداشت است، به نحوی که «انما حرم علیکم

المیته و الدم و اللحم الخنزیر و ما اهل به لغیر الله فمن اضطر غیر باغ و لا عاد فلا اثم علیه ان الله غفور رحیم» (بقره / ۱۷۳) یا «و ما لکم الا تاکلوا مما ذکر اسم الله علیه و قد فصل لکم ما حرم علیکم الا ما اضطررتم الیه» (انعام / ۱۱۹) مشهود است که ارتکاب فعل حرام در حالت ضرورت، استثناء شده و به نوعی استثناء از تحریم اباحه است و این امر شامل تجسس نیز شده که در حالت کلی حرام بوده، اما بنا به قاعده ضرورت، نکته مهم آن است که عمل بر اساس قاعده اضطرار، لازم و واجب است و ترک آن حرام و به این اثر گفته می‌شود که مدلول قاعده، عزیمت است، چون هرگاه مدلول قاعده عزیمت باشد، عباداتی که در حال اضطرار باید ترک کند، انجام دهد، باطل است و بنابراین، این اثر شامل تجسس نیز می‌گردد (میرالوندی، ۱۳۹۷: ۱۶۸).

#### قاعده حفظ نظام

متأسفانه فقها به موضوع ضرورت حرمت و منع اختلال در آن به صورت یک قاعده فقهی نپرداخته‌اند و معنا و مفهوم و مبانی و آثار این قاعده، گرچه به صورت اجمال و به صورت پراکنده موجود است (بافی‌زاده و امیدی فرد، ۱۳۹۳: ۱۷۳). حرمت و منع اختلال نظام در دکترین حقوقی اسلامی، برخلاف فرض موجود که حفظ نظام اسلامی، منع اختلال در نظام را توجیه می‌نماید و به نوعی یک گفتمان دیوان‌سالاری از بالا به پایین را تداعی می‌نماید، حرمت و منع اختلال نظام اسلامی است که مقدمه حفظ نظام اسلامی قرار می‌گیرد. حفظ نظام اسلامی در برابر خطرهای اوجب واجبات است و حتمی که علاوه بر نصوص که بر این امر صحه می‌گذارند. هرچند در آثار فقهی پیشینیان از قاعده حفظ نظام اسلامی نام برده نشده است، این حکم کلی و عام یکی از احکام فقهی مذاهب اسلامی به شمار می‌رود (هرندی و عرب، ۱۳۹۲: ۲۶). حتی اگر نصوص موجود که دلالت بر وجوب این امر می‌کنند نیز وجود نداشت، تشخیص عقلی و پرهیز از اختلال نظام اجتماعی در این مورد کفایت می‌کرد تا جایی که «وجوب حفظ نظام مسلمانان و حمایت از آن در نزد فقهای ما از مسلمات محسوب می‌شوند» (مکاسب‌المحرمه، ج ۲: ۲۰۳). پس اگر حفظ نظام واجب است، مقدماتش نیز واجب است که با قدرت وجود داشته باشد (مکاسب شیخ انصاری: ۵۶). علاوه بر

ادله عام وجوب حفظ نظام، ادله خاصی نیز در این زمینه وجود دارند، از جمله آیه چهارم سوره منافقون. در شأن نزول این آیه گفته شده است که زید بن ارقم از عبدالله بن ابی، رهبر منافقان مدینه استماع نمود که وی در صدد است تا پس از دخول به شهر مزبور، پیامبر (ص) را از آنجا بیرون نماید. از این رو، زید به پیامبر (ص) خبر داده و حضرت (ص) نیز در حق وی دعا کرد (مجمع‌البیان، بی تا: ذیل سوره منافقون: آیات ۱۱-۶).

«از بارزترین مقدمات حفظ نظام، داشتن سازمانی امنیتی است که عهده‌دار کسب خبر و کشف توطئه‌ها برای حفظ نظام باشد» (دایره‌المعارف اطلاعات و امنیت، ج ۱: ۹۶). حال به چند نمونه تاریخی اشاره می‌کنیم:

الف: حضرت علی (ع) هنگامی که برای رویارویی با اصحاب جمل به سمت بصره در حرکت بود، خطبه‌ای خواند که به پاره‌ای از آن اشاره می‌گردد:

«این افراد به سبب بغض و ناخشنودی خود در رابطه با حکومت من به توافق رسیده‌اند و من مادامی که بر جماعت شما نترسم، صبر می‌کنم، زیرا اگر آن‌ها بر اساس این دیدگاه سست و ضعیف اقدام به کاری کنند، نظام مسلمانان از بین خواهد رفت» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷۹).

این فرمایش حضرت، حاکی از آن است که روشن شدن نیت پلید آنان در جهت اختلال نظام اجتماع ملاک برخورد با آنان هست. ترس از فروریختن نظام است نه یقین داشتن به آن. پس هرگاه نشانه‌های هشداردهنده حاکی از وجود خطر آشکار گردید، به شکلی که در نزد عقلا ایجاد ترس می‌نمود، همین کافی است که درباره عاملین آن اقدام امنیتی لازم (تجسس) صورت گیرد. همچنان که این شیوه عقلا در برخورد با خطرهای به‌وجودآمده در مورد آن‌ها ملاک است.

ب: روایت پیامبر (ص): «اگر فردی از امت من عهده‌دار امری از امور مسلمین شود و آن گونه که درباره خودش و اطرافیانش به مواظبت و مراقبت می‌پردازد، همت نگمارد، بوی بهشت را نیز استشمام نخواهد کرد» (معجم‌الصغیر، ج ۲: ۵۴).

توضیح اینکه مراقبت از اطرفیان، منظور کارگزاران و هم مردم تحت حکومت اوست که با این بیان حضرت بر حاکم لازم می‌داند تا از اوضاع و احوال آن‌ها باخبر باشد و کسب خبر نماید و بی تفاوت نباشد. این یعنی به منظور حفظ حکومت و ایجاد امنیت برای مردم،

از طریق جاسوسان و عیون از اخبار و احوالات آنان باخبر باشد. حکومتی که از وضع کارگزاران و مردم خود اطلاعات و اخبار لازم نداشته باشد، به زودی توسط افراد نااهل و توطئه‌گر، ریشه‌های آن متزلزل خواهد شد و فرو خواهد ریخت.

ج: ابوالأسود، در نامه‌ای خطاب به علی<sup>(ع)</sup> نوشت: «اما بعد، خداوند تو را رهبری قابل اعتماد و پیشوایی مسئول قرار داد، ما تو را آزمایش کردیم و متوجه شدیم که نسبت به امانت بسیار حساس و خیرخواه امت هستی، افزون‌کننده و به دنیای آن‌ها بی‌توجه هستی، اموال آن‌ها را تصاحب نمی‌کنی و در صدور حکم برای آن‌ها رشوه نمی‌گیری. کارگزار و پسرعموی تو (عبدالله ابن عباس) بدون اطلاع تو، در اموالی که در اختیارش هست، تصرف می‌کند و من نمی‌توانم این موضوع را از شما پوشیده نگه دارم» (تاریخ یعقوبی، ج ۲: ۲۰۵).

د: عبدالله بن وائل تمیمی در ارتباط با مطلع شدن امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> از کشته شدن یک یهودی اسلام آورده از طریق جاسوسان گفت: حضرت امیر<sup>(ع)</sup> در پاسخ وی نوشت: «اما بعد، نامه تو را درک کردم و از آنچه درباره رفتار گروهی که در حوزه تو انجام دادند و انسان مسلمانی را کشتند، بیان کردی، آگاه شدم و متوجه شدم که انسان مخالف و مشرک نزد آن‌ها امنیت داشت... به کار خود مشغول باش و به گرفتن مالیات پرداز، همان‌گونه که خودت بیان کردی به طاعت و خیرخواهی پرداز» (الغارات، ج ۱: ۳۳۸).

### روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق در این اثر، اجتهادی بوده و با استفاده از قواعد فقهی مسلم جهت تکمیل بحث مورد استفاده قرار می‌گیرد. از آنجا که منابع فقه حکومتی که دلالت بر تحدید حدود تجسس و غیرتجسس می‌نمایند، به‌طور عمده در عصر حاضر مورد توجه قرار گرفته‌اند، بنابراین بایستی به منابع فقهی معتبر جدید نیز در این زمینه مراجعه نمود.

### یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

- بررسی حوزه‌ی ممنوعیت تجسس از منظر آیات و فقهاء و استدلال به آن‌ها
- آیات و روایات دال بر منع تجسس

## آیات

برخی از آیات قرآنی به موضوع تحدید حدود تجسس مجاز و غیرمجاز می‌پردازند، از جمله می‌توان به آیه ۱۸۹ سوره بقره، آیه ۲۷ سوره نور و ... اشاره نمود. قرآن با صراحت تمام تجسس را در آیه ۱۲ سوره حجرات منع نموده و از آنجاکه هیچ‌گونه قید و شرطی برای آن قائل نشده، نشان می‌دهد که جست‌وجوگری در کار دیگران و تلاش برای افشای اسرار آنان گناه است، البته قرآنی که در داخل و خارج آیه است، نشان می‌دهد که این حکم مربوط به زندگی شخصی و خصوصی افراد است. خلاصه کلام آنکه، با توجه به ملاحظه عبارات تفاسیر مفسران به‌طور قطع، حرمت تجسس روشن می‌گردد.

الف: «یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا کثیراً من الظن ان بعض الظن اثم و لاتجسسوا و لا یغتب بعضکم بعضاً ایحِبُّ اَحَدُکُمْ اَنْ یَاکُلَ لَحْمَ اَخِيهِ مِثْلًا فَاکْرَهُتُمُوهُ وَ اتَّقُوا اللَّهَ اِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از سوءظن‌ها بپرهیزید، زیرا که برخی از سوءظن‌ها گناه است و از احوال درونی همدیگر تجسس نکنید و کسی از شما غیبت دیگری را نکند، آیا کسی از شما دوست دارد گوشت برادر مرده‌اش را بخورد، البته که از آن کراهت دارید و از خدا بترسید که خداوند توبه‌پذیر و مهربان است» (حجرات: ۱۲).

این تعلیلی که در جمله «ایحِبُّ اَحَدُکُمْ اَنْ یَاکُلَ لَحْمَ اَخِيهِ» برای حرمت غیبت آمده، تعلیل برای حرمت تجسس نیز هست، چون فرق غیبت با تجسس تنها در این است که غیبت اظهار عیب مسلمانی است برای دیگران، چه اینکه عیش را خود ما دیده باشیم و چه اینکه شنیده باشیم؛ ولی تجسس عبارت است از اینکه به وسیله‌ای علم و آگاهی به عیب او پیدا کنیم. در اینکه هر دو عیب‌جویی است، مشترک‌اند، در هر دو می‌خواهیم عیبی پوشیده بر ملا شود. در تجسس، برای خود ما بر ملا شود و در غیبت برای دیگران. به همین جهت بعید نیست که جمله «ایحِبُّ اَحَدُکُمْ اَنْ یَاکُلَ لَحْمَ اَخِيهِ مِثْلًا» تعلیل باشد برای هر دو جمله، یعنی هم جمله «و لاتجسسوا» و هم جمله «لا یغتب بعضکم بعضاً» (طباطبایی، بی‌تا، ج ۱۸: ۴۸۴).

همچنین در کتب فقهی و تفسیری آمده است که نهی در آیه مذکور، دال بر حرمت دارد. این آیه به صراحت مسلمانان را از اینکه در احوال دیگران تجسس کنند، منع نموده و به مسلمانان اجازه نداده است که به دنبال امور پنهانی دیگران جست‌وجو کنند. بر این

اساس منع تجسس در امور و احوال دیگران با اطلاق و عمومیت خود شامل همه مصادیق حریم خصوصی می‌شود، به این تقریر، هرگونه کنکاش، پی‌جویی، کنجکاوی و دسترسی به اطلاعات افراد که ایشان آن را پنهان داشته‌اند، تجسس منهی عنه محسوب می‌شود (موسوی آزاد، ۱۳۹۵: ۸).

### آیه ۱۸۹ سوره بقره

«یسلونک عن الاهله قل هی مواقیت للناس و الحج و لیس البر بان تاتوا البیوت من ظهورها و لکن البر من اتقی و اتوا البیوت من ابوبها و اتقوا الله لعلکم تفلحون؛ از تو از هلال‌ها می‌پرسند که غرض از اینکه قرص قمر در هر ماه یک بار به صورت هلال درمی‌آید، چیست؟ بگو این‌ها وقت‌ها را برای مردم و برای حج معین می‌کنند و این کار خوبی نیست که شما در حال احرام از پشت بام داخل خانه‌ها شوید، بلکه عمل صحیح این است که از خدا بترسید و خانه‌ها را از در درآید و از خدا پروا کنید، باشد که رستگار شوید».

این آیه به‌ویژه در آن بخش که به بهانه رؤیت هلال نبایستی به خانه و مسکن مسلمانان ورود پیدا کرد نیز دلیل بر منع تجسس می‌نماید و بنابراین بایستی تجسس به‌عنوان یک استثناء مورد پذیرش قرار گرفته شود که تنها توسط حاکمیت اسلامی و در حدود و چهارچوب موازین قانونی و شرعی قابلیت اعمال دارد. از سوی دیگر، قسمتی از این آیه شریفه «و اتوا البیوت» دلالت بر اتخاذ تقوا داشته و این موضوع بر تجسس نیز ناظر می‌باشد.

### آیه ۲۷ سوره نور

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتَسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خانه‌هایی که منزل شما نیست، پیش از آنکه اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام کنید، وارد نشوید. این دستور به نفع شماست، شاید پند گیرید».

این آیه مبارکه نیز دال بر این است که مالکیت شخصی افراد بایستی محترم شمرده شود و همچنین اینکه باز بودن در خانه‌ها نشان‌دهنده اذن صاحب ملک به ورود غیر نمی‌باشد. از این آیه نیز منع تجسس در امور شخصی افراد استنباط می‌گردد. در اینجا جمله «تستانسوا» به کار رفته است، نه «تستاذنوا»؛ زیرا جمله دوم فقط اجازه گرفتن را بیان می‌کند. در حالی که جمله اول که از ماده انس گرفته شده است، اجازه توأم با محبت و لطف و آشنایی و صداقت را می‌رساند و نشان می‌دهد که حتی اجازه گرفتن باید توأم با ادب و دوستانه و خالی از هرگونه خشونت باشد (مکارم، ۱۳۷۴: مسئله ۴۲۷/۱۴).

### منع تجسس از منظر روایات

روایات فراوانی در باب حرمت تجسس و خبریابی به‌منظور دستیابی به بدی‌ها و زشتی‌های مردم وجود دارد که به ذکر پاره‌ای از آن‌ها می‌پردازیم. به‌طور کلی، می‌توان این روایات را به دو گروه تقسیم نمود: ۱- برخی روایات تنها اختلافی هستند و دلالتی بر حرمت ندارند؛ ۲- برخی روایات ظهور در تجسس ندارند، بلکه به افشای سر مرتبط است. به این معنا که یا دلالت بر حرمت ندارند یا اگر دلالت بر حرمت دارند، به تجسس مربوط نمی‌باشند، بلکه به افشای سر مرتبط هستند.

از جمله روایاتی که دلالت به حرمت دارند، اما به تجسس مربوط نمی‌باشند، عبارت‌اند از: پیامبر (ص) فرمود: «لغزش‌های مسلمانان را نجوید؛ زیرا هرکس لغزش‌های برادرش را جست‌وجو کند، خداوند عیب‌های او را پیگیری کند...» (میزان الحکمه، ج ۲: ۷۲۹).

- پیامبر (ص) می‌فرماید: «از گمان دوری کنید، زیرا گمان دروغ‌ترین سخن است. به سخنان مردم گوش نکنید و تجسس نکنید» (میزان الحکمه، ج ۷: ۳۳۹۵).

- امام صادق (ع) فرمود: «ابعد ما یكون العبد من الله ان یكون الرجل یواخی الرجل وهو یحفظ علیه زلاته لیعیره بها یوما ما؛ نزدیک‌ترین حالت بنده به کفر زمانی است که در راه دین کسی را به برادری بگیرد و آنگاه لغزش‌ها و اشتباهات وی را برشمرد تا اینکه روزی او را به سبب آن‌ها مورد شماتت و سرزنش قرار دهد» (اصول کافی، ج ۲: ۳۵۵).



همچنین، در ادامه آمده است: «لغزش‌های مؤمنین را جست‌وجو نکنید، زیرا کسی که به دنبال لغزش‌های برادر مؤمنش باشد، خدای تعالی گناهان او را پیگیری می‌کند و هرکس که خدای تعالی گناهانش را پیگیری کند، او را مفتضح و رسوا می‌سازد، هرچند در داخل خانه‌اش باشد» (اصول کافی، ج ۲: ۳۵۵).

- امام صادق<sup>(ع)</sup> فرمود: «کمترین چیزی که انسان به سبب آن ایمانش را از دست می‌دهد، این است که در راه دین شخصی را به برادری بگیرد و لغزش‌ها و اشتباهات او را ضبط نماید تا اینکه روزی او را به سبب آن‌ها مورد سرزنش و شماتت قرار دهد» (همان).

- امام صادق<sup>(ع)</sup> فرمود: «مؤمنین را از خود نرانید و لغزش‌های آن‌ها را پیگیری نکنید، زیرا که هرکس لغزش‌های مؤمنی را دنبال کند، خداوند لغزش‌های وی را دنبال می‌کند و کسی که خداوند لغزش وی را دنبال کند، او را در خانه‌اش رسوا می‌کند» (مستدرک الوسائل، ج ۹: ۱۰۹).

- از امام صادق<sup>(ع)</sup> با سند موثق از اسحاق بن عمار نقل است:

«یا معشر من اسلم بلسانه ولم یخلص (ای لم یصل) الایمان الی قلبه، لاتذموا المسلمین ولاتتبعوا عوراتهم فانه من تتبع عوراتهم تتبع الله عورته ومن تتبع الله عورته یفضحه ولو فی بینه» (جامع الاحادیث، ج ۱۶: ۳۱۴).

برخی دیگر روایات هستند که اختلافی است و دلالتی بر حرمت مطلق تجسس ندارند، از جمله امام صادق<sup>(ع)</sup> فرمود: جهل سه چیز است: تعویض دوستان، اختلاف و دوری بدون دلیل، تجسس از چیزی که نباید در مورد آن تجسس کرد. توضیح اینکه: این فرمایش حضرت اشاره به این امر دارد که تجسس در مسائلی که وظیفه ایجاب نمی‌کند، مذموم است، چون موضوعاتی هست که تجسس در آن‌ها جایز نیست (تحف العقول: ۳۱۷).

### عدم جواز تجسس از منظر فقها

شیوه بعضی از فقهای بزرگ شیعه در استنباط احکام از روایات چنین است؛ با نظر به مجموع روایات وارد، حکم به وجوب یا حرمت می‌نمایند؛ اگرچه به تک‌تک روایات ایراد وارد بوده؛ اما نظر به مجموع آن‌ها دلالت همه را کافی دانسته و حکم صادر می‌نمایند. نمونه چنین فقیهانی جناب شیخ مرتضی انصاری در بحث‌های اول دلالت همه را رد

نموده (انصاری، المکاسب، ج ۱: ۳۵۳)؛ اما در نهایت بر اساس محتوای مجموعشان حکم نموده‌اند. در موضوع مورد بحث همچنین بعضی روایات قابل خدشه هستند و ایراد وارد شده، ولی همه چنین نیستند و با توجه به محتوای تمام روایات و دو آیه ذکر شده، حرمت تجسس قطعی است. از نظر شرعی هیچ‌کسی مجاز به تجسس در مورد دیگری نیست.

### عدم شمول گرایی، نهی تجسس

قیدهایی که در آیات و اخبار و روایات به آن‌ها اشاره شده است، در قالب کلی عبارت‌اند از: مسلمان، مؤمن، برادر، قید خاص در روایت ابن ابی یعقوب بدون قید به‌طور مطلق آمده‌اند. توجه به این قیدها حاکی از آن است ممنوعیت دنبال کردن عیوب در خصوص مسلمانان هست، به این معنا که این ممنوعیت شامل کفار و مشرکین نمی‌شود؛ اما در مورد آیه ایراد شده باید گفت: احتمال دارد به دو دلیل دنبال کردن عیب در خصوص مسلمانان باشد: نخست اینکه حکم آیه مربوط به مؤمنین است و آیه متوجه آنان هست و این فرمایش خداوند که جست‌وجو نکنید، خطاب به مؤمنین و تجسس در خصوص مؤمنین را نهی می‌کند، همان‌طور که سیاق این آیه و آیات قبل و بعد از آن بیانگر این مطلب می‌باشند. دلیل دوم، عبارت «لحم اخیه» قرینه‌ای است بر اختصاص حرمت تجسس تنها در مورد مسلمانان، همان‌طور که قرینه است بر اختصاص حرام بودن غیبت مسلمانان و این مطلب ناشی از آن است که برادری تنها مخصوص مؤمنین است.

بر اساس صحیحه ابن ابی‌یعفور، تجسس در مورد کسی که علنی اقدام به فسق و گناه می‌نماید، حرام نیست. البته بنده معتقدم کسی که خودش حرمت و کرامت خویش را حفظ نمی‌نماید، دیگران تکلیفی در حفظ حرمتش ندارند و بحث دیگر آنکه چیزی از عیوب او بر مردم پوشیده نیست تا تفتیش شود.

نتیجه بحث فوق این است که تجسس به معنای اول و دوم در مورد مسلمانان در هر شرایطی شرعاً جایز نیست و هیچ‌موردی آن‌ها را جایز نمی‌نماید، مگر متجاهر به فسق.

## نقش اهداف فاسد در تحریم

برخی از روایات وارده از حضرات معصومین<sup>(ع)</sup> حاوی مطالبی است که گویای ارتباط نهی از تجسس با انگیزه و اهداف فاسد از آن‌ها آشکار می‌گردد، نمونه آن «روایات مذکور فوق... ضبط عیب‌های مسلمانی تا روزی او را به سبب آن‌ها سرزنش کند». این عبارات گویای این است که این انگیزه‌ها نقشی در حرمت تجسس دارند. پس اگر انگیزه یافتن عیوب دیگران و جست‌وجو از اسرار پوشیده آن‌ها به قصد سرزنش و نکوهش و بی‌اعتبار ساختن و اهداف فاسدی باشد. در این صورت تجسس در حوزه نهی و توبیخ و نکوهش قرار می‌گیرد. آیه ۱۲ سوره حجرات هم بر این مطلب دلالت می‌نماید؛ زیرا آیاتی پیش از این آیه آمده‌اند که در مقام بیان اعمالی هستند که موجب توهین به دیگران و تحقیر، سرزنش، ترویج عیوب آن‌ها و آزارشان هست و همچنین ناشی از عوارض فاسد باشد. پس طبیعی است که به حکم سیاق آیه، این آیه تجسسی را که ناشی از انگیزه با چنین اهدافی باشد، نهی می‌کند. در تأیید این مطالب مباحث برخی محققان و فقیهان باب غیبت، همانند این چیزی است که ما در مورد تجسس ذکر کردیم.

علاوه بر موارد فوق، دسته‌ای دیگر از آیات و روایات و سیره معصومین مورد بررسی قرار گرفته که حکایت از جواز تجسس دارد. علاوه بر آن‌ها موضوعاتی همچون مصلحت نظام و جامعه اسلامی، پیچیدگی نظام اجتماعی و لزوم شناخت جهان پیرامون و لزوم آرامش و امنیت داخلی و خارجی برای ساکنان یک کشور، اقتضا می‌کند به منظور جلوگیری از اختلال نظام اجتماع، قاعده لا ضرر و... خواهان جست‌وجو و تجسس در مواردی باشیم؛ پس در مطلب بعدی، بحث جواز تجسس را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

## بررسی حوزه‌های مجاز تجسس از منظر روایات و فقها و تحلیل آن‌ها

دلایل مجاز و لزوم تجسس موارد مختلفی هستند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: بقای حکومت اسلامی و ایجاد امنیت و آرامش برای آحاد جامعه که خود عبارت است از: تجسس در مورد دشمنان اسلام که غیرمسلمان‌اند (کفار و دشمن غیر دشمن)، تجسس در مورد مسلمانانی که در صف دشمنان حکومت اسلامی هستند، تجسس در مورد دشمنانی

که در داخل کشور هستند؛ تجسس در امور مردم و تجسس در امور کارکنان اداری نظامی و قضایی کشور. همچنین تجسس، لازمه پیشرفت، شناخت زمان، مردم آن و کسب اطلاعات و اخبار است و شناخت برنامه‌های مرموزانه دشمنان، پیشگیری از اقدامات تروریستی و غافلگیرانه آن‌ها. با توجه به دسته‌بندی دلایل مجاز و لزوم تجسس، به بیان برخی از ادله مجاز تجسس می‌پردازیم.

## لزوم تجسس، بقای حکومت اسلامی و امنیت مردم

### تحلیل روایات

این روایات ضرورت مشارکت در حفظ نظام جامعه و کمک به آن را در صورت مواجهه با خطر تباهی و نابودی به‌خوبی بیان می‌کنند و تجسس را وظیفه مسلمین می‌دانند و رهبر را به اعتبار اینکه سرپرست و حافظ نظام و مصالح امور مسلمین است، از خیانت‌هایی که برخی کارگزاران در دستگاه حکومت مرتکب می‌شوند، افراد و گروه‌هایی که علیه نظام و جامعه فعالیت می‌کنند و کسانی که اقدام به انجام تباهی و خیانت در زمینه‌های امنیتی، سیاسی نظامی و فرهنگی ... کرده‌اند یا امکان ارتکاب به این اعمال از سوی آن‌ها وجود دارد و همچنین بررسی مسائل مشکوک مردم به‌منظور کشف خیانت از سوی آن‌ها وجود دارد، تجسس نموده و سریع اطلاع دهند از مصادیق وظایف مسلمانان محسوب می‌شود.

از پاسخ حضرت امیر<sup>(ع)</sup> به ابوالاسود فهمیده می‌شود که کار ابوالاسود که اطلاعات و اخبار را به امام رسانده، خیرخواهی به امام و ملت است و همچنین مسئولیت ارسال خبر درباره آنچه در حول و حوش وی رخ می‌دهد که توجه به آن خیر و صلاح امت است را متذکر می‌شود و به دنبال دارد. حضرت امیر<sup>(ع)</sup> این تجسس و خبردهی را نه تنها خروج از مسیر حق نمی‌داند، بلکه آن را یکی از حقوق واجب حکومت و امام برمی‌شمارد. در این راستا، حضرت علی<sup>(ع)</sup> اطلاع قریظه بن کعب به آن حضرت در رابطه با گروه‌های دشمن و فعالیت جنایت‌کارانه را نیز در حوزه اطاعت و خیرخواهی محسوب می‌نماید؛ بنابراین در برخی موارد تجسس در حیطة خیرخواهی برای امام و امت است.

## دلایل تجسس از مردم داخل کشور خود

در ابتدای این بحث بایستی خاطر نشان ساخت که اگرچه شناخت مردم خود لزوماً به معنای جواز تجسس نیست، اما در این زمینه احادیثی از معصومین<sup>(ع)</sup> و نمونه‌های تاریخی وجود دارد که به نوعی مجوز جست‌وجو از احوال مردم زمان خویش را صادر می‌کند و در واقع مبین جواز نوعی از تجسس است:

الف: امام باقر<sup>(ع)</sup>: «در حکمت حضرت داود<sup>(ع)</sup> آمده است که برای هر فرد مسلمانی شایسته و بایسته است که مالک خویشتن و آینده‌نگر و مردم عصر و زمانش را بشناسد» (اصول کافی، ج ۲: ۲۲۴).

ب: از حضرت علی<sup>(ع)</sup> است که فرمود: «هرکس مردم زمان خود را نشناسد، نسبت به آن‌ها غافل است و در خواب است» (غررالحکم: ۲۲۸).

ج: هند بن ابی هاله در حدیثی راجع به یکی از اوصاف پیامبر<sup>(ص)</sup> روایتی دارد: رسول خدا<sup>(ص)</sup> از یارانش تفقد و دلجویی به عمل آورد و راجع به امور مردم از آن‌ها سؤال می‌کرد (دائرةالمعارف اطلاعات و امنیت، ج ۲: ۵۵).

د: در دوران پیامبر<sup>(ص)</sup> و بعد از ایشان کسانی به عنوان کارشناس در امور مردم و قبیله‌ها بودند و از طریق آن، افراد گزارش‌هایی از مردم می‌گرفتند. البته این افراد به عنوان عریف و خیره شناخته می‌شدند.

## لازمه پیشرفت جامعه و شناخت زمان و مردم، با کسب اطلاعات و اخبار

در این زمینه نیز به مانند مورد قبلی، بایستی خاطر نشان ساخت که اگرچه زمان‌شناسی و مردم‌شناسی نمی‌تواند به عنوان یک دلیل در این زمینه مورد پذیرش قرار بگیرد و در نهایت می‌تواند دلالت بر جواز نماید، اما در کنار سایر ادله می‌تواند به عنوان مؤید قرار گیرد که نمونه‌هایی از آن نقل می‌گردد. الف: امام صادق<sup>(ع)</sup> فرمود: «در حکمت آل داود آمده است: عاقل باید نسبت به زمان خود شناخت داشته باشد و به کار خود مشغول باشد و زبانش را نیز حفظ کند» (اصول کافی، ج ۲: ۱۱۶).

ب: حضرت علی<sup>(ع)</sup> فرمود: «عاقل باید دارای سه ویژگی باشد: به کار خود سرگرم باشد، زبانش را حفظ کند و زمانش را بشناسد» (تحف‌العقول: ۲۰۳).

ج: آن حضرت<sup>(ع)</sup> همچنین می‌فرماید: «هرکس که به اوضاع و احوال زمانه آگاه باشد، آمادگی‌اش را حفظ می‌کند» (روضه کافی، ج ۸: ۵۲).

د: امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> فرمود: «کسی که پنجاهای زمانه را درک نماید، از حسن ظن به ایام احساس آرامش نمی‌کند» (غررالحکم، ج ۲: ۶۹۷).

همان‌طور از کلام مولی امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> استفاده می‌شود که می‌فرماید: آنکه به اوضاع و احوال زمانه آگاه باشد، آمادگی‌اش را حفظ می‌کند. چون زندگی پیچیده در نظام جهانی امروز که در هر روز آن با ده‌ها حوادث ناگوار و خدعه و نیرنگ دنیای استکباری روبه‌رو می‌شویم، لزوم اطلاع از زمان خویش برای تشخیص درست و تصمیم درست ضروری می‌نماید.

## لزوم تجسس، اطلاع و پیش‌گیری از اقدامات و غافل‌گیری دشمن از منظر قرآن

### بیداری و آمادگی در برابر خطر دشمن:

«أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانفِرُوا تُبَاتٍ أَوْ انْفِرُوا جَمِيعًا؛ ای اهل ایمان سلاح

برگیرید و به صورت دسته‌دسته یا به صورت جمعی کوچ کنید» (نساء: ۷۱).

در تفسیر نمونه حذر را بر وزن خضر دانسته و می‌نویسد: حذر به دو معنا است. اول به معنای بیداری و آماده‌باش و مراقبت و هوشیاری در برابر خطر، دوم: گاهی به معنای وسیله‌ای که به کمک آن با خطر مبارزه می‌شود نیز آمده است (تفسیر نمونه، ج ۴: ۲). اگرچه در این آیه به موضوع تجسس به‌منظور بیداری و آمادگی در برابر خطر دشمن تصریح نشده است، اما با توجه به اطلاق عبارت، «حذر» در آیه که دلالت بر بیداری و آگاهی دارد، چه‌بسا بتوان از لوازم معنای آن تجسس را نیز استفاده نمود و بنابراین می‌تواند در این زمینه نیز کاربرد داشته باشد.

گفته شده «اخذ حذره»، هنگامی که هوشیار باشد و از ترس و وحشت پرهیز نماید، گویا هوشیاری را وسیله‌ای قرار داده است که به وسیله آن خودش را حفظ می‌کند و با آن روحش را مصون می‌دارد (کشاف، ج ۱: ۵۳۲).

ظاهراً حذر در این آیه کنایه از آمادگی کامل به منظور حرکت برای جهاد است (المیزان، ج ۴: ۴۱۶).

واضح و روشن است که معنای آمادگی کامل، همان‌گونه که به برگرفتن سلاح دلالت می‌کند، بر اقدامات احتیاطی - امنیتی و آگاهی کامل از وضعیت دشمن و اقدامات جنگی وی نیز دلالت می‌کند، به این صورت که باید از تجهیزات نظامی، مقدار و نوع آن و تعداد نیروها، نحوه ارتباط میان گروه‌های نظامی و زیرمجموعه‌های آنها اطلاع کامل کسب نمود. عدم غفلت از دشمن و مهیا بودن برای دفاع:

خداوند در سوره نساء آیه ۱۰۲ می‌فرماید: «هرگاه تو در میان سپاهیان بودی و برای آنها اقامه نماز نمودی، باید گروهی با اسلحه به همراه تو نماز را به جای آورند و زمانی که به سجده رفتند، می‌بایست گروهی در پشت آنها باشند و گروهی که نماز نخوانده‌اند، برای خواندن نماز بیایند، درحالی که مسلح می‌باشند. زیرا کافران امید دارند که شما از سلاح و وسایل خود غافل شوید تا ناگهان بر شما یورش برند. چنانچه باران یا بیماری مانع از به دست گرفتن سلاح توسط شما شد، باکی نیست، اما از دشمن برحذر باشید که خداوند برای کافران عذابی خوارکننده مهیا ساخته است».

در این آیه نیز به مانند آیه قبل می‌توان استدلال نمود که اگرچه موضوع اصلی آیه، آمادگی برای دفاع است نه تجسس، اما به حکم عقل، آمادگی برای دفاع ملزوماتی داشته و یکی از این ملزومات، کسب اخبار و اطلاعات دشمن از طرق مختلف بوده که تجسس به منظور کسب اطلاعات دشمن و آمادگی نیروهای خودی، صورت گرفته است و در نتیجه از باب مقدمه واجب، لازم می‌گردد. در هر صورت، خداوند در این آیه نحوه نماز خوف به صورت جماعت را در صحنه کارزار بیان کرده و به مسلمانان دستور می‌دهد که هوشیار و مراقب باشند تا از دشمن غافل نشوند.

محتمل است که در اینجا منظور از حذر، هوشیاری و گوش‌به‌زنگ بودن و عدم فراموش کردن دشمن باشد و منظور سلاح نیست. برای تقویت این نظر می‌توان به قرائن زیر اشاره کرد:

اول: خداوند در بخشی از آیه به سپاه امر می‌کند که حذر و سلاح را باهم داشته باشند، آنجا که می‌فرماید: «وَلِيَاخِذُوا حِذْرَهُمْ وَاسْلِحْتَهُمْ» و اقتضای عطف سلاح بر حذر، تفاوت داشتن معنای آن دو است.

دوم: خداوند برای آن‌ها موقعیتی را مشخص می‌کند که در آن موقعیت جایز هستند سلاح حمل نکنند و آن زمانی است که به سبب باران یا بیماری قادر به حمل سلاح نیستند، درحالی‌که ما در همین موقعیت هم می‌بینیم که خداوند آن‌ها را امر به هوشیاری می‌کند. آنجا می‌فرماید: «وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ أُذَىٰ مِنْ مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ تَضَعُوا اسْلِحَتَكُمْ وَخِذُوا حِذْرَكُمْ»، در اینجا معقول نیست که منظور از حذر اسلحه باشد، زیرا بعد از اینکه تکلیف آن‌ها در رابطه با اسلحه مشخص گردیده است، امر به برگرفتن اسلحه معنا ندارد. پس حذر دوم به معنای هوشیاری مراقب خبریابی و خبرگیری است.

سوم: خداوند به جای عدم حذر از لفظ غفلت استفاده کرده است. آنجا که می‌فرماید: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ اسْلِحَتِكُمْ وَامْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً» (نساء: ۱۰۲)، همین امر قرینه است بر اینکه منظور از حذر هوشیاری و عدم غفلت است. در این آیه دومرتبه به شکل مطلق امر به حذر شده است و اقتضای این اطلاق آن است که شامل تمام انواع و مظاهر حذر باشد. بارزترین مظاهر حذر، زیر نظر گرفتن تحرکات دشمن و کسب خبر و اطلاعات مورد نیاز در رابطه با دشمن است.

### مراقبت و هوشیاری:

خداوند در آیه ۴ سوره منافقون می‌فرماید:

«وقتی آن‌ها را می‌بینی، (گیرایی) ظاهرشان تو را به شگفت می‌آورد و اگر سخن گویند، به گفتارشان گوش فرا می‌دهی، گویی آن‌ها چوب‌های خشکی هستند که (به دیواری) تکیه داده شده‌اند، هر سخنی را که می‌شنوند، پندارند علیه آن‌ها است. این‌ها دشمن دین هستند، پس از آن‌ها برحذر باش، خدا آن‌ها را بکشد، به کجا منحرف می‌شوند؟»



## تحلیل آیات

اقتضای اطلاق حذر مراقبت از آن‌ها و آگاهی از فعالیت‌های آن‌ها و به‌کارگیری اقدامات اطلاعاتی و امنیتی درباره آن‌ها به جهت خنثی کردن نقشه‌ها و دفع خطر آن‌ها است. آنچه از آیات استفاده می‌شود، عبارت است از اینکه: باید قبل از حرکت به سمت کارزار، نسبت به تمام امور مربوط به دشمن هوشیار بود و هر اقدامی با دقت صورت گیرد. آیات ذکرشده همگی بر هوشیاری و دقت در زندگی اشاره می‌کنند و تنها راه پرهیز از گرفتار شدن در دامن نیرنگ را هوشیاری معرفی کرده‌اند. یکی از بارزترین مصادیق هوشیاری و بیداری، آگاهی از محیط و کسب خبر و مطلع بودن از محیط و هرگونه توطئه و تهدید در پیرامون خود و این هوشیاری و بیداری بخش مهمی از آن به‌وسیله شبکه خبردهی و تجسس است که امروزه به اشکال مختلف در جهان امروز محقق می‌شود. نتیجه اینکه به دلیل هوشیاری و بیداری و احتیاط باید تجسس کرد.

### دلیل جواز جاسوسی علیه حکومت‌های اسلامی ستمگر و دشمنان داخلی

از رفتار حضرت علی<sup>(ع)</sup> با کسانی که در برابر او گردنکشی کردند، می‌توان مشروعیت جاسوسی علیه دولت‌های بیدادگر و حکومت‌های ستمگر اسلامی را که مسلمانان را زجر می‌دهند، چه آن‌هایی که به شیوه کفر حکومت می‌کنند و چه آن‌هایی که به شکل اسلامی اما منحرف و ناصحیح حکومت می‌کنند، به دست آورد، زیرا آن حضرت برای کسب اخبار دقیق از معاویه و یارانش و از بازی‌های سیاسی آن‌ها و تحرکات خصمانه نظامی آن‌ها جاسوسی را در شام می‌گمارد.

الف) سید رضی در نهج‌البلاغه نامه حضرت امیر<sup>(ع)</sup> به کارگزار خود قثم بن عباس در مکه را آورده است:

«اما بعد، جاسوس من در شام برایم نوشته است، مردمی از اهل شام به حج فرستاده شده‌اند که قلب‌هایشان کور، گوش‌هایشان کر و دیده‌هایشان کور مادرزاد هست، کسانی هستند که حق را از طریق باطل می‌جویند و در معصیت خداوند از بندگان پیروی می‌کنند

و به بهانه دین، شیر دنیا را می‌دوشند و دنیای حاضر را به‌عوض آخرت نیکوکاران پرهیزگار می‌خرند و کسی به سبب خیر هرگز رستگار نشود...» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۳).  
این نص حاکی از آن است که حضرت علی<sup>(ع)</sup> جاسوسانی را به‌منظور جمع‌آوری اخبار از معاویه و تحریکات تخریبی یاران وی می‌گماشت.

با بررسی متون تاریخی به وجود نیروهایی برمی‌خوریم که وظیفه و مأموریتشان انتقال اطلاعات مربوط به دشمن و رساندن آن‌ها به معصومین<sup>(ع)</sup> بوده است. از سوی دیگر افشاگری از عملکردها و فعالیت‌های به‌طور کامل محرمانه و سری دشمن یا گروه‌هایی که با حکومت مخالفانند و فعالیت‌های زیرزمینی و پنهانی دارند، کاری ساده و معمولی نیست و تنها از طریق چنین دستگاه‌های امنیتی که هدف از مأموریتشان مراقبت و تحت تعقیب قرار دادن آنان بوده، مقدور است. در اینجا برخی از متون را در مورد لزوم تجسس از دشمنان داخلی ذکر می‌نماییم.

ب) ابن هشام روایت می‌کند: به رسول خدا<sup>(ص)</sup> خبر دادند که گروهی از منافقین در خانه سویلم یهودی جمع شده‌اند. خانه سویلم در کنار خانه جاسوم قرار داشت و او مردم را از اینکه با رسول خدا<sup>(ص)</sup> به جنگ تبوک بروند، باز می‌داشت. رسول خدا فرزند عبیدالله را با چند نفر دیگر از یارانش به سوی آن‌ها فرستاد و به او و یارانش دستور داد تا خانه سویلم را آتش زده و خانه را بر سر آن‌ها خراب کنند. طلحه چنین کرد (السیره النبویه، ج ۴: ۱۶۰).

روشن است که حرکت و فعالیت منافقین و مردم یهود شهر مدینه، حرکتی خزننده و به‌طور کامل محرمانه بود؛ اما با این وجود پیامبر<sup>(ص)</sup> توانست با اقدامی آگاهانه حرکت مذبحخانه و خرابکارانه دشمن را برملا کرده و خنثی نماید. این خبر به‌وسیله شخصی به رسول خدا رسیده که او از دور دشمن را تحت نظر داشته و فعالیت آنان را در کنترل خود داشته است.

نمونه‌ای از تجسس به دستور امام معصوم<sup>(ع)</sup> در مورد افراد دشمن حکومتش که در بین مسلمین زندگی می‌کرد. انجام آن حرمت تجسس ندارد، چون غرض عقلایی داشته و فعل معصوم حجت است برای ما.

## نتیجه‌گیری و پیشنهادها

### نتیجه‌گیری

منع تجسس اگرچه در عمده ابواب فقهی حکومتی به چشم می‌خورد، اما همچنان نتوانسته است به عنوان یک قاعده مستقل فقهی به رسمیت شناخته شود، چه آنکه با وجود پرداختن زیاد بدان، اما منابع و مبانی آن تا حدود زیادی مکتوم باقی مانده است. به‌طور کلی، می‌توان سه قاعده فقهی اضطرار، مصلحت و قاعده حفظ نظام را به‌عنوان مبنای مجاز تجسس در نظام اسلامی تلقی نمود و قاعده احترام به کرامت انسانی را به‌عنوان مبنای غیرمجاز بودن تجسس در نظام اسلامی تلقی نمود. اگرچه قاعده حفظ نظام در اکثر تحقیقات به‌عنوان مبنای اصلی تجسس و منع آن ذکر گردیده است، اما نمی‌توان آن را به‌عنوان تنها قاعده موجود در این زمینه تلقی نمود. از سوی دیگر، به‌رغم عدم تبیین دقیق موارد مجاز و غیرمجاز تجسس از منظر فقه حکومتی، اما می‌توان با توجه به تحلیل آیات و روایات، به نتایج روشنی در این زمینه دست یافت، اول اینکه منع تجسس از منظر فقه حکومتی عموماً در زمینه امور شخصی و فردی و منع پی‌جویی در امور شخصی افراد در جامعه اسلامی برای تحصیل بدی‌ها و زشتی‌ها و علل آن می‌باشد. مبنای غیرمجاز بودن تجسس در فقه حکومتی، احترام به کرامت انسانی و حرمت انسان است. مبنای مجاز بودن تجسس در فقه حکومتی نیز بر مبنای همان سه قاعده فوق فقهی، در مواردی از جمله علیه حکومت‌های اسلامی ستمگر و دشمنان نظام اسلامی، حفظ بقای نظام اسلامی، دفع ضرورت‌ها از نظام اسلامی و حفظ مصالح جامعه اسلامی به رسمیت شناخته شده است.

### پیشنهادها

۱. با وجود اینکه به‌طور تقریبی در تمامی ابواب فقهی، منع تجسس مشاهده می‌شود، اما مبانی و منابع فقهی این قاعده همچنان از منظر فقهی تبیین نشده است و در فقه نیز این امر مشخص نشده است که آیا دامنه قاعده منع تجسس

تنها به امور شخصی و فردی محدود بوده یا اینکه در امور غیرشخصی و غیرفردی نیز این قاعده قابل اعمال است. بدیهی است که شناخت حدود و ثغور این قاعده می‌تواند در واکاوی استثنایات آن نیز مثمرتر باشد؛ بنابراین پیشنهاد می‌گردد که در زمینه تبیین منع تجسس به‌عنوان یک قاعده فقهی به‌ویژه فقه حکومتی کوشیده شود.

۲. با وجود اینکه موارد مجاز تجسس از منظر فقه حکومتی با سایر حقوق و امور اجتماعی به‌ویژه ارتباط مستقیم تجسس مجاز با مشارکت موثرتر آحاد جامعه اسلامی پیوند خورده است، اما این ارتباط به‌درستی در فقه مورد تبیین قرار نگرفته است. بدیهی است که اگر از این منظر به موارد مجاز تجسس در فقه حکومتی پرداخته شود که تجسس‌های مجاز موجب مشارکت‌های مؤثرتر خواهد شد؛ می‌توان نتایج و برآمدهای بهتر و مؤثرتری را در این راستا اخذ نمود.

## فهرست منابع و مآخذ

- ابن‌شعبه، حسن، (۱۴۱۰ ق)، کتاب البیع، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
- ابن‌شعبه، حسن، (۱۳۶۳ ش)، اصول کافی، تهران دارالکتاب اسلامی، چاپ پنجم.
- ابن‌شعبه، حسن، (۱۳۸۳)، تحف العقول، مشهد، خاتم.
- ابو فدا، اسماعیل، (۱۹۷۶ م)، السیره النبویه، بیروت، تحقیق مصطفی عبدالواحد، دارالمعرفه.
- ابوالمؤید معروف اخطلب خوارزم، بی‌تا، المناقب، تحقیق، محمدرضا موسوی خراسانی، تهران، انتشارات، نینوا.
- احسان‌پور، سید رضا و دیگران، (۱۳۹۶)، بررسی فقهی و حقوقی ترانزیت تحت کنترل مواد مخدر توسط دولت، فصلنامه حقوق پزشکی، سال یازدهم، شماره چهل و یکم، صص ۱۴۶-۱۴۵.
- الثقفی، ابن هلال، (۱۴۰۷ ق)، الغارات، تحقیق عبدالزهراء، بیروت، انتشارات، دارالاضواء.
- امام خمینی، روح‌الله، (۱۳۶۶ ش)، مکاسب محرمه، قم، اسماعیلیان.
- انصاری، مرتضی، (۱۳۷۴ ش)، مکاسب محرمه، قم، انتشارات دهقانی.
- الآمدی، عبدالواحد التمیمی، (۱۴۰۷ ق)، غررالحکم و درر الکلم، تهران، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- بافی‌زاده، محمدجواد و امیدفرد، عبدالله، (۱۳۹۳)، ضرورت حفظ نظام و منع اختلال در آن در فقه امامیه، فصلنامه شیعه شناسی، سال دوازدهم، شماره ۴۷.
- بگدلی، علی و علی‌اکبر بابوکانی، احسان، (۱۳۹۶)، بررسی فقهی و حقوقی ورود دولت به حریم خصوصی، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال ششم، شماره سیزدهم.
- پورعبدالله، کبری و جلیل‌زاده، سمانه، (۱۳۹۳)، حل تراحم حریم خصوصی زوجین با حقوق زوجیت بر اساس مصلحت تحکیم خانواده، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، سال هفدهم، شماره ۶۶.
- تلخابی، مجید و حیدری، علی‌مراد، (۱۳۸۹)، بررسی فقهی تجسس با تأکید بر فرمان هشت‌ماده‌ای امام خمینی (ره)، کنگره ملی بررسی اندیشه‌های فرهنگی و اجتماعی حضرت امام خمینی (ره)، جهاد دانشگاهی واحد البرز، دوره یک، صص ۱۳-۱.
- جعفری، فریدون و عباسی مقرب، محسن، (۱۳۹۵)، مبانی فقهی و حقوقی جرم‌انگاری تصدی بیش از یک شغل دولتی در حقوق ایران، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال هفتم، شماره اول، شماره پیاپی ۱۳، ص ۴۹.
- جواد علی، (۱۹۶۸ م)، المفصل فی تاریخ العرب قبل از اسلام، بغداد، انتشارات النهضه.
- جواد آملی، عبدالله، (۱۳۷۲)، ولایت فقیه، تهران، رجاء.
- حاجی‌وند، امین و میرکمالی، سید‌علیرضا، مبانی فقهی، حقوقی و جرم‌شناختی رسیدگی افتراقی به جرایم سبز، فصلنامه تحقیقات حقوقی معاهده، شماره ۵۹.
- حر عاملی، (۱۳۷۲)، وسایل الشیعه، الجزء ۱۲، قم، آل‌البيت.
- حسینی آزاد، سید علی، (۱۳۹۰)، تعهد دولت‌ها در حفظ حریم خصوصی افراد از منظر حقوق بین‌الملل

- بشر، امور تحقیق و پژوهش کمیسیون حقوق بشر اسلامی.
- حسینی، حسین ابن احمد، (۱۳۶۳ ش)، **تفسیر اثنا عشر**، تهران، میقات.
  - حمیدی، ابوالعباس عبدالله بن جعفر، بی‌تا، **قرب الاسناد**، تهران، انتشارات نینوا.
  - خرازی، محسن، (۱۳۸۵)، کاوشی در حکم فقهی تجسس، **فصلنامه پژوهشی کاربردی**، سال سوم، شماره ۷ و ۸.
  - خرازی، سید محسن، (۱۳۸۰)، کاوشی در حکم فقهی تجسس، **مجله فقه اهل بیت**، شماره ۲۶.
  - دانش‌پور، افتخار، (۱۳۹۵)، بررسی حدود مصلحت در حریم خصوصی در تعارض با مصالح اجتماعی با رویکردی بر مبانی فقه اسلامی، **فصلنامه فقه مقارن**، سال چهارم، شماره ۸، صص ۲۵-۲۴.
  - دعووش، علی، (۱۳۸۵)، **دائرةالمعارف اطلاعات و امنیت**، مترجم، غلامحسین باقری، دانشگاه امام حسین تهران.
  - الزمخشری، جار الله محمود بن عمر، بی‌تا، **الکشاف**، قم، نشر ادب حوزه.
  - زیدان، عبدالکریم، (۱۳۷۸)، **اصول الدعوه**، تهران، احسان.
  - صالحی، سید هادی؛ صالحی، سید مهدی و نیکخواه سرنقی، رضا، (۱۳۹۷)، بررسی فقهی حقوقی تجسس و موارد استثنایی آن، **فصلنامه مبانی فقهی اسلامی**، سال یازدهم، شماره بیست و یکم.
  - صدوق ابی بابویه قمی، (۱۳۹۸ ق)، **التوحید**، تهران، انتشارات مکتبه صدوق.
  - صدوق، محمدبن علی، (۱۴۰۶ ق)، **من لا یحضره الفقیه**، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
  - طالبی طادی، بهنام، (۱۳۹۶)، بازخوانی مفهوم حریم خصوصی از منظر فقه امامیه، **دوفصلنامه پژوهشنامه فقه و نظام‌سازی عدالت**، سال اول، شماره ۲.
  - طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۶۳)، **المیزان**، قم، انتشارات اسلامی.
  - الطبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، (۱۴۰۳ ق)، **المعجم الصغیر**، بیروت، انتشارات دارالکتب العلمیه.
  - طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن، (۱۳۶۳ ش)، **الاستبصار**، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
  - عاملی، محمد بن الحسن الحر، (بی‌تا)، **وسایل الشیعه**، تصحیح ربانی شیرازی، بیروت.
  - عبداللهی علی بیک، حمیده، (۱۳۸۳)، **قاعده اضطرار (الضرورات تبيح المحذورات)**، **فصلنامه مطالعات اسلامی**، شماره ۶۳، صص ۱۲۴-۸۳.
  - عزیزی، علیرضا و مهدوی ثابت، محمدعلی، (۱۳۹۷)، مبانی فقهی و حقوقی جرم انگاری اخلاق در فرآیند دادرسی کیفری، **فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی**، سال ۱۰، شماره ۱۸.
  - عسقلانی، ابن حجر شهاب‌الدین، (بی‌تا)، **الاصابه فی تمیز الصحابه**، بیروت. دارالکتب العربیه.
  - علی حسینی، علی و کشاورز، حمیدرضا، (۱۳۹۵)، کارکرد مفهوم مصلحت در جمهوری اسلامی ایران، **فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی**، سال ششم، شماره ۲۰، صص ۲۰-۱.
  - عمید، حسن، (۱۳۸۶)، **فرهنگ فارسی عمید**، تهران، امیرکبیر.
  - فتحی، یونس و شاهمرادی، خیرالله، (۱۳۹۶)، **گستره و قلمرو حریم خصوصی در فضای مجازی**، **مجله**

حقوقی دادگستری، سال هشتاد و یکم، شماره نود و نهم.

- قرطبی انصاری، (۱۳۷۶ ق)، **الجامع الاحکام القرآن مصحح اطفیش**، دارالکتب المصریه.
- قربانی، محمد علی و پورشعبان علی، محمد، (۱۳۹۷)، تجسس از دیدگاه فقه امامیه، **فصلنامه مطالعات فقهی و فلسفی**، سال نهم، شماره سی و سوم، صص ۵۷-۳۱.
- کلینی، ابی جعفر، (۱۳۸۱ ش)، **روضه کافی**، مترجم، حمیدرضا آذیر، قم، سرور، چاپ اول.
- کوشکی، غلامحسین و موسوی آزاده، رضا، (۱۳۹۷)، از شناسایی منع تجسس به مثابه قاعده‌ای فقهی تا انعکاس آثار آن در نظام دادرسی کیفری ایران، **پژوهشنامه حقوق اسلامی**، شماره اول، پیاپی ۴۷، صص ۱۸۰-۱۵۵.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ ق)، **بحار الانوار**، بیروت، انتشارات دارا حیات التراث العربی.
- محقق کرکی، **جامع المقاصد**، (بی تا)، قم، انتشارات مؤسسه آل البیت.
- محمدی ری شهری، (۱۳۸۳)، **میزان الحکمه**، قم، دارالحدیث، چاپ چهارم.
- مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، (۱۴۱۹ ق)، **بیت الافکار الدولیه**.
- معاونت حقوقی ریاست جمهوری، (۱۳۹۰)، **حقوق شهروندی**، مجموعه مقالات (۱)، چاپ اول، تهران.
- مکارم، ناصر، (۱۳۷۲ ش)، **تفسیر نمونه تهران**، دارالکتب الاسلامیه.
- میرالوندی، شهلا، (۱۳۹۷)، پژوهشی در قاعده (الضرورات تبیح المحظورات)، **فصلنامه مطالعات راهبردی فقه و حقوق**، سال اول، پیش شماره، صص ۱۷۰-۱۶۰.
- نظرزاده، عبدالله، (۱۳۹۲)، **مصلحت و نقش آن در استنباط احکام شرعی و حکومتی**، فصلنامه سیاست متعالیه، سال اول، شماره اول.
- نوجوان، داوود، (۱۳۸۹)، جایگاه قاعده اضطرار در بررسی فقهی درمان ناباروری، **فصلنامه فقه پزشکی**، سال دوم، شماره دوم، صص ۸۰-۵۹.
- نوری طبرسی، حسین، (۱۴۰۸ ق)، **مستدرک الوسائل**، قم، تحقیق و نشر مؤسسه آل البیت.
- هرنندی، محمد و عرب، عالیه، (۱۳۹۲)، حکم‌سازی ضرورت حفظ نظام در قلمرو احکام شرعی از دیدگاه فقهی مذاهب اسلامی، **فصلنامه مطالعات تقریبی اسلامی**، سال نهم، شماره ۳۳، صص ۳۸-۲۶.
- یعقوبی، احمد، (۱۹۶۰ م)، **تاریخ یعقوبی**، بیروت، دار بیروت.

